



ISSN:2588-7033



An Approach to the Influence of Early Islamic Conquests on Tabarī's Thought of Primary Jihad

Zahra Qutbi^{a*}, Ali Hasanbegi^b, Mohammadreza Ghasemi^c, Ebrahim Ebrahimi^d

^a PhD Student of Qur'an and Hadith Science, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^b Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^c Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^d Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Tabarī,
jihad ayahs,
conquests,
first caliphs

Received: 4 September 2022;

Accepted: 3 November 2022

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.1.3.5

ABSTRACT

Various factors affect the approach of scholars in the field of thinking and knowledge, of which historical events is considerable. The historical event of the conquests of the first caliphs and war booty clearly had a great impact on promoting the economic life of Muslims living in that era. The benefits obtained from the booty also influenced the thought of scholars of that time and the eras close to it, concerning the outstanding component of those conquests, i.e. the primary jihad. Accordingly, some thinkers such as Tabarī (d. 310 AH) in order to stabilize the semantic system organized by the conquests of the caliphs in the collective mind of the community, understood most of the Qur'anic ayahs of jihad with the idea of primary jihad. This interpretive attitude emphasizes a meaningful relation with the intellectual atmosphere dominant during his lifetime about the conquests of the first caliphs. This analytical-critical research is a new step in analyzing and proving this meaningful concept. Findings show that Tabarī has deviated from the correct scientific path in understanding ayahs of jihad. Influenced by the conquests of the first caliphs and in order to approve them, he has sometimes tried to mention an untruthful narration, abrogating all jihad ayahs in favor of primary jihad, and deviating from the firm principles of the conduct of the Prophet.

* Corresponding author.

E-mail address: ghotbizahra@gmail.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





رهیافتی بر تأثیر فتوحات صدر اسلام بر نگره جهاد ابتدایی طبری

زهرا قطبی^{الف*}، علی حسن بیگی^ب، محمدرضا قاسمی^ج، ابراهیم ابراهیمی^د

^{الف} دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

^ب دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

^ج استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

^د استاد تمام، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
طبری، آیات جهاد، فتوحات، خلفای نخستین	رویکرد عالمان در حوزه تفکر و دانش متأثر از عوامل گوناگونی است. رویدادهای تاریخی یکی از عوامل رویکرد عالمان به حوزه مذکور است. به طور مشخص می‌توان گفت، رویداد تاریخی فتوحات خلفای نخستین و غنائم حاصل از آن تأثیر گسترده‌ای بر ارتقاء زندگی مادی مسلمانان آن عصر گذاشت. این مطلوبیت به دست آمده از غنائم به تأثیرپذیری اندیشه عالمان آن عصر و عصرهای نزدیک به آن، از مؤلفه برجسته آن فتوحات که همان جهاد ابتدایی است، منجر شد. به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان همچون طبری (م ۳۱۰ ه.ق.) به جهت تثبیت نظام معنایی سامان یافته از فتوحات خلفا در اذهان جمعی اجتماع، غالب آیات جهاد را با انگاره جهاد ابتدایی فهم نمودند. این نگرش تفسیری، رابطه معناداری را با فضای فکری حاکم بر دوران حیات وی نسبت به فتوحات خلفای نخستین پررنگ می‌نماید. پژوهش حاضر گامی نو و در واکاوی و اثبات این انگاره معنادار بوده است. این پژوهش به روش تحلیلی-انتقادی می‌باشد. دستاوردهای یافت شده گواه آن است که طبری در فهم آیات جهاد از مسیر درست علمی خارج شده است. وی متأثر از فتوحات خلفای نخستین و در راستای صحنه نهادن بر آن، گاه به ذکر روایتی مدلس، نسخ تمامی آیات مقیده جهاد به نفع جهاد ابتدایی و عدول از محکومات سیره نبوی اقدام کرده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

نظام معنایی سازمان یافته از برخی رویدادهای تاریخی و به تبع آن پدیداری پیامدهای مطلوب آن، منجر به شکل‌گیری ذهنیت جمعی افراد آن اجتماع - گاه به طور موقت - و تثبیت آن در قالب رضایت عمومی افراد است؛ بدین معنا که تأثر و ارتقاء کیفی لایه‌های زندگی مردمان توسط منافع حاصل از آن رویداد، منجر به شکل‌گیری گفتمانی در میان افکار عمومی و حتی متفکران و اندیشمندان آن عصر می‌شود که منعکس‌کننده برخی مؤلفه‌های مبنایی آن رویداد است. جنگ و مطلوبیت غنائم حاصل از آن نیز به عنوان یکی از رویدادهای تاریخی از این امر مستثنا نبوده است. به طور مشخص می‌توان گفت، رویداد تاریخی فتوحات خلفا (ابوبکر، عمر، عثمان) و غنائم حاصل از آن، تأثیر گسترده‌ای را بر ارتقاء زندگی مادی مسلمانان آن عصر گذاشته است؛ و رضایت جمعی و مطلوبیت به دست آمده از غنائم کسب شده، به تأثیرپذیری از مؤلفه‌ی برجسته‌ی آن فتوحات - که همان جهاد ابتدایی است - در اندیشه‌ی عالمان آن عصر و عصرهای نزدیک به آن در حوزه‌های مختلف همچون تفسیر منجر شده است. به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان در حوزه تفسیر به جهت تثبیت نظام معنایی سامان یافته از فتوحات خلفا (ابوبکر، عمر، عثمان) در اذهان جمعی اجتماع، غالب آیات جهاد را با انگاره جهاد ابتدایی فهم کردند (باصری، ۱۳۹۹: ۵). لازم به ذکر است که با شکل‌گیری نظریه

عدالت صحابه و نگاه مثبت به صحابه درگیر در فتوحات، عالمان و مفسران نیز در تفسیر و رویکرد خود به آیات، بر پایه رفتار صحابه و عملکرد آنان به آیات نگریسته و آیات را طبق رفتار آنان تفسیر و تبیین کرده‌اند. با نظر داشت به تأثیر رویداد تاریخی فتوحات خلفای صدر اسلام (ابوبکر، عمر، عثمان) به جهت سرازیری غنائم کسب شده از آن بر ذهن مفسرین نزدیک به آن عصر در فهم قرآن، بایستی به میزان سلامت آن نگره و آسیب‌های ناشی از آن، توجه ویژه داشت. از این رو با ملاک قرار دادن یک اثر تفسیری و تحلیل و بررسی آیاتی با محوریت موضوعی خاص همچون آیات جهاد می‌توان به آسیب شناختی تأثیر رویداد تاریخی - فتوحات خلفا و پیامدهای مطلوب آن و پی‌ریزی عدالت صحابه بر اندیشه‌های مفسران اهل سنت آن عصر و سده‌های نزدیک به آن دست‌یاب شد.

در عینیت‌بخشی این مهم پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی موردی آیات پیرامون جهاد در تفسیر جامع البیان طبری و میزان تأثیرپذیری توأمان رویداد فتوحات صدر اسلام و عدالت صحابه بر شکل‌گیری نگره جهاد ابتدایی در آن بپردازد.

پیشینه پژوهش فرارو به مقالاتی چون «بررسی سندی و دلالتی حدیث «امرت أن اقاتل الناس» به قلم محسن قاسم پور و دیگران (۱۳۹۶ش)، «شناخت صحابه با توجه به آیات جهاد» به قلم کریم علی محمدی (۱۳۹۵ش)، «واکاوی تأثیر باورکلامی مورخان مسلمان بر همانندسازی میان جنگ‌های خلفا با جنگ‌های پیامبر(ص)» به قلم علی حسن بیگی (۱۳۹۳ش) پرداخته‌است؛ که در برخی از زمینه‌ها همانند: تأثیر باور کلامی عدالت صحابه در فهم آیات جهاد گام‌هایی را برداشته‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی که به بررسی موردی رویکرد طبری متأثر از رویداد تاریخی فتوحات خلفای نخستین در فهم آیات جهاد پرداخته باشد، یافت نشد. بررسی این مهم در پژوهش حاضر بدین سبب است که به نظر می‌رسد دیدگاه طبری در فهم آیات جهاد خط مشی فکری سایر مفسران اهل سنت در قرون بعدی تا به امروز شده‌است؛ که با بازخوانی تفسیر وی به‌عنوان خاستگاه فکری مفسران بعدی اهل سنت می‌توان تأثیر و غایت گستره آسیب‌های این نگرش را در فهم آیات جهاد شناسایی کرد. براین اساس، پرسش پژوهش حاضر بدین شرح است که طبری در فهم آیات جهاد در تفسیر جامع البیان چه رویکردی را برگزیده است و این رویکرد چه میزان متأثر از مشروعیت فتوحات خلفای نخستین بوده‌است؟

لازم به ذکر است که مقصود از فتوحات، جنگ‌هایی می‌باشد که در بازه زمانی ۱۱-۳۵ هجری رخ داده‌است. این جنگ‌ها که در عصر حکومت ابوبکر، عمر و عثمان روی داد، باعث شد گستره جغرافیای مسلمانان وسعت یابد و سرزمین‌های روم شرقی، ایران و آفریقا ضمیمه حاکمیت مسلمانان شود. البته در این نوشتار فتوحات عصر پیامبر(ص)، امویان و عباسیان بررسی نمی‌شود.

۱. شکل‌گیری باور کلامی عدالت صحابه

باور کلامی عبارت از هر باوری است که باورمند به آن، یقین داشته و خاستگاه آن عقل، نقل و حسن ظن (خوش‌گمانی) باشد و به ساحت فکر و اندیشه - نه ساحت مناسک و اعمال - تعلق داشته‌باشد؛ مانند: عصمت پیامبر(ص)، علم امام (ع)، تحریف‌ناپذیری قرآن کریم و عدالت صحابه (حسن‌بگی و حسن‌بیگی، ۱۳۹۸: ۴). به نظر می‌رسد باور کلامی عدالت صحابه به یکباره به‌عنوان پایه اساسی مذهب اهل سنت پدیدار نگشته‌است. لشکرکشی خلفای صدر اسلام (ابوبکر، عمر و عثمان) خارج از مرزهای اسلامی، دستاوردهایی را نیز در دو بعد مادی و معنوی نصیب مسلمانان کرد. از منظر مادی بازخورد سرازیر شدن سیل غنائم به سمت مسلمانان به‌ویژه در زمان خلیفه اول و دوم مورد توجه است؛ و به لحاظ معنوی آشنایی سایر کشورها با دین اسلام حاصل شد. فتوحات سبب شد خلفا در نزد مسلمانان زمانه خویش مقدس جلوه کنند. بعدها این نگاه قداست‌آمیز، توأم با

شکل‌گیری عدالت صحابه مورد توجه قرار گرفت؛ و در نتیجه نسل‌های بعدی در موضع‌گیری‌های خود تحت تأثیر رویدادهای صدر اسلام و عدالت صحابه قرار گرفتند.

۲. نگاهی گذرا به محکومات سیره نبوی در جنگ‌ها

پیامبر (ص) گاه مانورهای نظامی در بیابان‌ها بر پا می‌کردند. بدین شکل که رسول خدا یا سپاهیان اعزامی ایشان که تعداد آن‌ها کمتر از یک سوم نگهبانان کاروانیان دشمن در بیابان‌ها بود، در اطراف نیروهای دشمن حرکت می‌کردند و تحرکات آنان را زیر نظر داشتند. به نظر می‌رسد این اقدامات پیشگیرانه به منظور اهدافی چون تقویت نیروهای رزمی مسلمانان، آماده‌سازی آنان در سفرهای بیابانی در آینده، ایجاد ارعاب، تمرین سایر تاکتیک‌های جنگی صورت می‌پذیرفته و اطلاع از رفت و آمدهای مشکوکانه مشرکان که در پوشش کاروان تجاری بوده‌اند، انجام می‌گرفته‌است. مسلمانان در حین این تحرکات هیچ‌گاه اقدام به دستبرد و یغماگری نسبت به اموال آن کاروانان (کلینی، ۱۳۶۸: ۲۸/۵) و یا اقدام به شیبخون زدن و ترور افراد دشمن نمی‌کردند (نیشابوری، ۱۴۰۶: ۳۵۲/۴؛ ابن‌جعده، بی‌تا: ۴۶۲). از این رو، با ترتیب‌دادن مانورهایی از این دست اطلاعات سیاسی و نظامی خویش را نسبت به دشمن تقویت می‌کردند (رسولی محلاتی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). گفتنی است که زمانی پیامبر (ص) و مسلمانان با کاروان جنگی قریش مواجه شدند حضرت نهایت تلاش خود را کرد تا کار به خون‌ریزی و جنگ کشیده نشود. به همین جهت سفیری را به سوی مهاجمان فرستاد و تقاضای بازگشت آنان را داشت اما قریشیان نپذیرفتند (واقعی، ۱۳۶۹: ۴۵/۱). البته سیره عملی پیامبر (ص) در جنگ‌ها در قبال تمامی افراد مهاجم حاضر در صحنه نبرد یکسان نبوده‌است؛ ایشان به یاران خویش دستور می‌دادند که در هنگام جنگ از کشتن افراد عادی که غالباً به جهت ترس از رؤسای خویش در جنگ‌ها حاضر می‌شدند، خودداری کنند. پیامبر (ص) همواره به مسلمانان سفارش می‌کردند تا نسبت به اسیران خوش رفتاری و نیکی نمایند. ایشان برخی از اسراء را با پرداخت فدیة آزاد می‌کردند که مبلغ آن بنا بر توانایی مالی افراد بین ۴۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ درهم بوده‌است؛ و عده‌ای که از توانایی مالی برخوردار نبوده‌اند متعهد می‌شدند تا به فرزندان انصار خواندن و نوشتن بیاموزند و سپس رها می‌شدند (رسولی محلاتی، ۱۳۹۷: ۲۰۱). از نکات دیگری که رسول خدا (ص) در هنگام سازماندهی جنگ مورد توجه قرار می‌دادند، بررسی وضعیت روحی و جسمی افراد بود. اگر فردی رغبت چندانی به جنگ نداشت یا حضور وی سبب تضعیف روحیه دیگران قلمداد می‌شد، او را از صفوف جنگ خارج می‌کرد؛ و بر اساس آیه ۸۱ سوره توبه، افراد بیمار، ناتوان و کم‌سال را که علاقمند به جهاد بودند اما توانایی جنگیدن نداشتند را از سپاهیان مسلمان جدا می‌کردند (قائدان، ۱۳۹۷: ۹). از نکات برجسته‌ای که حضرت قبل از جنگ نصب‌العین خود قرار می‌دادند دعوت نمودن طرف مقابل به اسلام پیش از شروع جنگ بود (مسلم، ۱۴۲۰: ۳۱۵/۶). ایشان علاوه بر این دعوت، پس از پیروزی نیز فردی را مجبور به پذیرش اسلام نمود. بگونه‌ای که در برابر پیشنهاد برخی صحابه مبنی بر وادار کردن افراد به پذیرش اسلام فرمودند: «و ما أنا من المتکلفین» یعنی من از کسانی نیستم که خود را به چیزی آراسته‌ایم که در من نیست (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۴۲). در سیره عملی پیامبر (ص) در جنگ‌ها اموری فراتر از این نیز دیده می‌شود؛ به طوری که اگر غیر مسلمانی به اسلام دعوت نشده بود و در حین جنگ توسط مسلمانی اسیر می‌شد، حضرت به سبب اینکه اسلام به وی ابلاغ نشده بود دستور آزادی وی را صادر می‌کرد (رشید رضا، بی‌تا، ۳۴۱/۷). نقل شده‌است شأن نزول آیه ۲۹ سوره توبه که می‌فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»، در رابطه با جنگ تبوک

است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴/۵)؛ که بر اساس آیه فوق پیامبر (ص) از سوی خداوند موظف شده بود در برابر اهل کتاب بی‌آزاری که از پذیرش دین اسلام پس از عرضه آن امتناع می‌ورزند، صرفاً جزیه دریافت نمایند تا بر دین خود باقی بمانند؛ و به صورت مسالمت‌آمیز با مسلمانان زندگی کنند و مادامی که این افراد تحرکاتی از منظر اعتقادی و عملی علیه مسلمانان انجام ندهند نیازی به جنگیدن با آنان نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۷/۹).

در خاتمه توجه به این نکته ضروری است که نبردهای پیامبر (ص) از مقوله جهاد ابتدایی نبوده و به قول عبده دانشمند مصری جنگ‌های پیامبر (ص) همگی در دفاع حق و اهل آن و حمایت از دعوت حق بوده است؛ به همین جهت، دعوت به اسلام قبل از شروع جنگ شرط جواز نبرد تعیین شده و این دعوت فقط با حجت و دلیل انجام می‌شده است، نه با شمشیر و نیزه (رشید رضا، بی- تا: ۲۱۵/۲).

۳. نگاهی به سیره و عملکرد خلفای فاتح صدر اسلام در جنگ‌ها

خالد بن ولید به عنوان یکی از فرماندهان سپاه ابوبکر در نبرد با مرتدان حضور داشت. در این نبرد عده‌ای از مسلمانان کشته شدند اما خالد با سوزاندن مرتدان در آتش توانست بر آنان فائق بیاید. نیز در گزارش تاریخی دیگری آمده است فردی به نام فجاءه نزد ابوبکر آمد و از وی اسب و سلاح درخواست کرد تا با مرتدان بجنگد. ابوبکر نیز اسب و سلاح در اختیار وی قرار داد. فجاءه در میدان نبرد بدون اینکه تمایزی بین مسلمانان و مرتدان قائل گردد به همگی حمله ور شد و همگی را به قتل رساند. بعد از این اقدام فجاءه، ابوبکر وی را تحت تعقیب قرار داد و دستور به بازداشت او داد؛ پس از بازداشت، وی را نزد خلیفه اول فرستادند و خلیفه دستور داد تا او را در آتش بسوزانند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۱۰۷-۱۰۶). پس از ورود فاتحان به سرزمین‌های غیر مسلمان در قالب جهاد ابتدایی و با شعار صدور دین اسلام و دعوت غیر مسلمانان به آیین خویش، به این افراد سه پیشنهاد ارائه شد: پذیرش دین اسلام، ملزم شدن به پرداخت جزیه و در نهایت آماده شدن برای جنگ (طبری، بی تا: ۳۴۴/۳، ۵۲۸، ۵۲۳، ۵۲۰، ۴۹۹). لازم به ذکر است که عمر خلیفه دوم «مسیحیان عرب زبان» را نسبت به پذیرش اسلام و یا کشته شدن مخیر نموده بود و از آنان جزیه قبول نمی‌کرد (بیهقی، بی تا: ۲۱۶/۹). برآیند عملکرد خلفای صدر اسلام در رویارویی با اهل کتاب این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که پایه و اساس روند آنان، اجبار و تحمیل دین اسلام به اهل کتاب بوده است؛ چراکه اگر فردی پیشنهاد دوم و سوم را نمی‌پذیرفت راه دیگری جز پذیرفتن آیین اسلام برای وی باقی نمی‌ماند. رفتاری که برخی از فاتحان صدر اسلام در بخشی از مناطق فتح شده از خود بروز دادند بیانگر عملکرد خشن آنان با مردمان آن دیار است. یکی دیگر از اقدامات خلفای صدر اسلام در لشکرکشی‌های خود به دیگر بلاد غیر مسلمان، غارت کردن اموال بوده است (ثقفی، ۱۳۷۱: ۱۷۸؛ ابن اثیر، بی تا: ۱۲۰). چنانکه خالد بن ولید که از فرماندهان جنگ در زمان فتوحات ابوبکر بود چارپایان شهر حوارین از توابع سنیر را غارت کرد که با عکس‌العمل مردم آن دیار مواجه شد؛ و پس از رسیدن نیروهای کمکی خالد بر آنان پیروز شد و عده‌ای را به قتل رساند و برخی را نیز به بردگی گرفت (بلاذری، ۱۳۹۸: ۱۶۳). از دیگر اقدامات فاتحان شیخون زدن به قبائل و مصلوب کردن کشتگان بود. خالد بن ولید در عین‌التمر پس از ظفر یافتن بر سرکرده آن دیار وی را کشت و مصلوب کرد. همچنین در این نبرد یکی از افراد خالد به قبیله‌ای از آن دیار شیخون زد و غنائم و بردگانی به غنیمت گرفت (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۲۰۱-۱۰۸، ۲۰۲). کشتار و قطع درختان (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۴۶۵/۳؛ ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۴۵/۱۱)، ویران کردن خانه‌ها و سرزمین‌ها (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۴۰۱، ۱۴۲)، تبعید کردن (طوسی، بی تا: ۶۹)، شکنجه کردن (طبری، بی تا: ۳۲۵/۵) و ترور کردن (بلاذری، ۱۴۲۴ق: ۲۷۲/۲) از دیگر اقداماتی بود که توسط فاتحان

انجام شد. اقداماتی همچون به قتل رساندن صد هزار نفر از مردمان یک شهر (بلاذری، ۱۳۹۸: ۳۳۰)، امان دادن به افراد یک منطقه و سپس کشتن آنان (طبری، بی تا: ۲۷۰/۴؛ بلاذری، ۱۳۹۸: ۳۲۹)، فروختن زنان و فرزندان در صورت ناتوانی افراد در عدم پرداخت جزیه (بلاذری، ۱۳۹۸: ۲۲۶-۲۳۹، ۲۲۷) و استفاده از هر فرصتی برای به دست آوردن پیروزی (بلاذری، ۱۳۹۸: ۳۲۴) از دیگر عملکردهای فاتحان بوده است. در انتها می توان به نگاشتن نامه ابوموسی اشعری به عنوان یکی از فرماندهان فتوحات به عمر خلیفه دوم اشاره کرد که خواهان کسب تکلیف حکم شرعی درباره کشتن مجوسیان به دست مسلمانان فاتح بود؛ که عمر پاسخ داد: «پرداخت دیه کفایت می کند، زیرا آنان در شمار بردگان می باشند» (متقی هندی، بی تا: ۹۶/۱۵). به نظر می رسد نگره خطای خلیفه دوم در قبال کشته شدگان مجوسیان نشان از پایه گذاری نظام تبعیض توسط وی در اسلام بوده است.

۴. بررسی میزان هم آوایی سیره خلفای فاتح صدر اسلام با محکومات سیره نبوی در جنگها

از جمله دستوراتی که خداوند در منشور آسمانی قرآن کریم به مسلمانان داده اطاعت از وی و پیامبر (ص) است. از این رو اطاعت پذیری از دستورات قرآن و پیامبر (ص) همچون سنگ محکی برای صحابه و تمامی مسلمانان تا قیامت در درستی یا نادرستی اندیشه ها و رفتار و عملکرد آنان است. آیات جهاد در قرآن کریم و تطابق آن با محکومات سیره نبوی در جنگها، معیاری است که می توان بر اساس آن درستی یا نادرستی عملکرد خلفای صدر اسلام در رویداد تاریخی فتوحات را جستجو کرد. بررسی عملکرد خلفای صدر اسلام در فتوحات و لشکرکشی های آنان به دیگر بلاد غیر مسلمان گواه آن است که شقاق عمیقی میان محکومات سیره نبوی در جنگها با عملکرد و برخورد خلفای نخستین در فتوحات وجود دارد. از جمله می توان به تعارضاتی چون اقدام به جهاد ابتدایی، شعارهایی چون تبلیغ اسلام به دیگر بلاد غیر مسلمان و جایگزینی آن شعار با گرفتن اجباری جزیه از غیر مسلمانان با هدف کسب غنائم موجود در دیگر بلاد را نام برد. چرا که بنا بر محکومات سیره نبوی نبردهای حضرت در قالب جهاد دفاعی و در دفاع از حق و حمایت از دعوت حق بوده و به همین جهت، قبل از شروع جنگ، شرط جواز نبرد دعوت به اسلام با حجت و دلیل بوده است. از حیث اخلاق نظامی نیز در عملکرد خلفای نخستین اعمالی چون سوزاندن افراد، مصلوب کردن جنازه، فروختن زنان و فرزندان غیر مسلمانان در صورت ناتوانی در عدم پرداخت جزیه، استفاده از هر فرصتی برای پیروزی، قطع درختان، شیبخون زدن، ترور و غارت اموال با محکومات سیره نبوی در جنگها تعارض دارند؛ چرا که پیامبر (ص) در اخلاق نظامی خویش ویژگی هایی چون خوش رفتاری با اسیران، در نظر گرفتن توانایی مالی طرف مقابل در پرداخت جزیه، آزادی اسیری که قبل از جنگ دعوت به اسلام نشده بود، عدم ترور، شیبخون و غارت اموال، تلاش فراوان در عدم برخورد نظامی با طرف مقابل، رعایت حال افراد اعم از مسلمانان مشتاقی که شرایط لازم در جهاد را نداشتند و نیز نیروهای دشمن که از سر ترس و به زور رؤسای خویش وارد نبرد شده اند، را داشته اند. بنابراین، هیچ هم آوایی و همسویی میان محکومات سیره نبوی و عملکرد خلفای صدر اسلام در جنگها و نبردها وجود ندارد.

۵. سيطرة رویداد تاریخی فتوحات خلفا بر نگرش طبری

همان طور که در بخش قبلی تبیین شد، تطابق و هم آوایی میان سیره خلفای نخستین و محکومات سیره نبوی در جنگها وجود ندارد؛ اما اینکه چرا نگره اندیشمندان اهل سنت آن عصر و عصرهای نزدیک به دوران رویداد تاریخی فتوحات، در قبال لشکرکشی های خلفا مثبت است و خلفای صدر اسلام چون عمر در آن بازه زمانی با نام امیرالمؤمنین یاد می شوند را می توان در

پیامدهای مثبت مادی فتوحات خلفای نخستین جستجو کرد. به نظر می‌رسد یکی از عوامل تعیین‌کننده در پی‌ریزی باور کلامی عدالت صحابه در میان اهل سنت آن عصر و سده‌های نزدیک به آن دستاوردهای مادی حاصله از فتوحات خلفای نخستین باشد. بدین ترتیب که اعراب مسلمان موفقیت‌ها و نتایج خوشایند مادی ناشی از کسب غنائم فراوان در فتوحات را ناخودآگاه به حساب حقانیت خلفا می‌نهادند؛ و همین امر سبب شده بود که خلیفه اول و دوم که بیشترین نقش را در سرآزیری غنائم به سمت مسلمانان داشتند بزرگ جلوه داده شوند. از این رو، به سبب نظام معنایی سازمان‌یافته از رویداد تاریخی فتوحات خلفای صدر اسلام و به تبع آن پدیداری پیامدهای مطلوب آن، انگاره‌ای در ذهنیت جمعی افراد آن اجتماع و تثبیت آن در قالب رضایت عمومی افراد آن عصر و سده‌های نزدیک به آن پدیدار شد. بدین معنا که تأثیر و ارتقاء کیفی لایه‌های زندگی مردمان عصر خلفا به وسیله منافع حاصله از فتوحات، منجر به شکل‌گیری گفتمانی در میان افکار عمومی آن عصر و حتی اندیشمندانی همچون طبری شد که در سده‌های نزدیک به آن زمانه می‌زیسته‌اند. خوش‌بینی ایجاد شده نسبت به رویداد تاریخی فتوحات از یک سو؛ و صیانت و حفظ باور کلامی عدالت صحابه به عنوان یک پیش‌فرض پذیرفته شده از سوی دیگر، توأمان سبب شد که طبری تحت تأثیر گفتمانی قرار بگیرد که آیات جهاد را حمل بر جهاد ابتدایی کند.

۱.۵. فهم طبری در مواجهه با حدیث مقاتله

در تفسیر جامع‌البیان در ذیل آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳)، دو روایت نقل شده که از منظر طبری بیانگر سیره پیامبر (ص) در قبال تمامی مشرکین اعم از محارب و غیر محارب است؛ و مستندی بر وجوب جهاد ابتدایی به طور مطلق است. در مضمون واحد این روایات به نقل از پیامبر (ص) آمده است: «إني أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله، فإذا فعلوا ذلك فقد عصموا مني دماءهم وأموالهم إلا بحقها وحسابهم على الله». روایت فوق بیانگر این است که پیامبر (ص) فرمودند: «همانا من مأمور شدم با مردم بجنگم تا اینکه بگویند: «لا اله إلا الله». پس اگر چنین بگویند جان و مالشان را از من حفظ می‌کنند مگر به حش و حسابشان با خداست» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۴/۲). گفتنی است که وجود اضافاتی چون «و یقیموا الصلاة، و یؤتوا الزکاة» بعد از عبارت «حتى یقولوا لا إله إلا الله» در یکی از دو روایت ذکر شده توسط طبری قابل تأمل است.

این روایت که به حدیث «مقاتله» معروف است، در نظریه جهاد دعوت نقشی کلیدی و محوری دارد. نظریه جهاد دعوت به اقدام به جهاد ابتدایی جهت اجبار مردم برای پذیرش شریعت اسلام اشاره دارد؛ و غایت این جهاد هم به کشته شدن یا مسلمان شدن افراد می‌انجامد. ارکان جهاد دعوت اتکاء بر حدیث «مقاتله»، آیات ابتدایی سوره توبه است که به طور مطلق بر وجوب جهاد ابتدایی اذعان دارد (الهی خراسانی و مروارید، ۱۳۹۶: ۷)؛ در این نظریه تنها اهرمی که پایان جنگ را اعلام می‌کند، مسلمان شدن کافران است. اطلاعات موجود در این دو مؤید نقلی، این معنا را متبادر می‌کند که هدف از جهاد، عرضه کردن توحید و نبوت به کافران است؛ و پیامبر (ص) موظف بودند با برپایی جهاد، کافران را مجبور به مسلمان شدن نمایند؛ کما اینکه طبری در جامع‌البیان در ذیل آیاتی که بیانگر حکم مقاتله به طور مطلق است به این معنا اذعان داشته است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۴/۲). بررسی پژوهش‌گران گویای آن است که لفظ «أقاتل» در روایت مذکور تحریف یا نقل به معنا شده است و اصل در روایت «أمرت أن أجاهد الناس» بوده ولی راوی روایت‌کننده متصور شده که «أجاهد»، «أقاتل» است. از طرفی اگر لفظ «أقاتل» را به معنای ظاهری آن حمل نماییم در تعارض با

آیه ۲۹ سوره توبه^۱ است. بنابراین حدیث مذکور به دلیل ناسازگاری با قرآن از قبیل روایات «و ما علی الرسولِ إِلَّا البلاغ» جعلی است و به نظر می‌رسد که در فضای فتوحات ساخته شده است (غفاری و مستفید، ۱۳۸۰: ۱۳۳/۲-۱۱۴). زیرا از منظر دلالتی جزئیات و الفاظی در متن روایت مذکور به طریق «ابن ربیع» در جامع البیان وجود دارد که با دیگر الفاظ روایات هم‌خانواده حدیث «مقاتله» متفاوت است. در این طریق، بعد از ذکر عبارت «حتی یقولوا لا إله إلا الله» ملزم شدن کافران به انجام فرائضی چون برپا داشتن نماز و پرداخت زکات اشاره شده است. قرار گرفتن این روایت در کنار روایتی که برخی از رده‌های سرکوب شده مرتدین توسط خلیفه اول را به دلیل عدم پرداخت زکات عنوان می‌نماید رابطه معناداری را میان آن و روایت ابن ربیع به وجود می‌آورد. در روایت «مانعان زکات» آمده است که ابوبکر در جواب اعتراض خلیفه دوم مبنی بر اینکه پیامبر (ص) صرفاً برای مسلمان نمودن کافران می‌جنگید، چنین عنوان می‌کند که بخدا قسم فرقی میان نماز و زکات نیست و با هر کسی که بخواهد بین آن دو جدایی بیندازد می‌جنگم^۲. (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۹۳/۱) اشتراکات مضمونی این دو روایت این احتمال را تقویت می‌کند که در روایت مقاتله از طریق «ابن ربیع» تدلیسی رخ داده و به سبب ابداعی بودن عملکرد ابوبکر در سرکوب برخی از رده‌ها به حدیث منصوب به پیامبر (ص) عباراتی اضافه شده است؛ و به نظر می‌رسد به جهت اعتقاد به نگره کلامی «عدالت صحابه» عملکرد ابوبکر در نزد طبری با پذیرش مواجه شده است. همچنین به نظر می‌رسد که بر اساس مصالح و اهداف سیاسی، تکامل باور کلامی عدالت صحابه در میان اهل سنت آن عصر و پوپایی جعل حدیث در مناقب و فضایل صحابه در زمان امویان، این نگره در میان برخی محدثان اهل سنت آن عصر ایجاد گردید که می‌توان با تدلیس برخی احادیث منصوب به پیامبر (ص) همسان‌انگاری میان سنت نبوی و رفتار خلفای نخستین را در اجرای احکام جهاد پدید آورد؛ تا پوششی ایمن و موجه را جهت صیانت رویداد تاریخی فتوحات صدر اسلام و نیز ترویج باور کلامی‌شان که همان عدالت صحابه است، ایجاد نماید (حسن بیگی، ۱۳۹۳: ۱۱). اضافاتی چون «و یقیموا الصلاة، و یؤتوا الزکاة» در کنار عبارت «حتی یقولوا لا إله إلا الله» از مصادیق این دست از همانندسازی‌ها است. قابل یادآوری است که در اثر این سيطرة فکری بحث جهاد ابتدایی در نزد طبری متأثر از رویداد تاریخی فتوحات خلفای نخستین (ابوبکر، عمر و عثمان) بوده و به جای اینکه آیات مطلق جهاد را حمل بر مقید نماید و جهاد دفاعی را از آن استنباط نماید، مقید بودن آیات جهاد را نادیده گرفته و متوسل به روایات مدلسی شده است که حکم جهاد ابتدایی بودن آیه ۱۹۳ سوره بقره را تقویت می‌کند.

۲.۵. فهم طبری در مواجهه با آیات مقیده جهاد

صاحب تفسیر جامع البیان معتقد است که آیه ۱۹۰ سوره بقره با قسمت انتهایی آیه ۳۶ سوره توبه که می‌فرماید: «... قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً...» و نیز با بخشی از آیه ۵ سوره توبه که می‌فرماید: «... فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ...»

^۱ - قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (توبه: ۲۹)

^۲ - حدثنا محمد بن يزيد قال أخبرنا سفيان بن حسين عن الزُّهري عن عُبَيْدِ اللَّهِ بن عبد الله بن عتبة بن مسعود عن أبي هريرة عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: "أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله، فإذا قالوها عصموا مني دماءهم وأموالهم إلا بحقها، وحسابهم على الله تعالى"، قال: فلما كانت الردة قال عمر لأبي بكر: تقاتلهم وقد سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول كذا وكذا؟ قال: فقال أبو بكر: والله لا أفزق بين الصلاة والزكاة، ولا قاتلن من فرَّق بينهما، قال: فقاتلنا معه فرأينا ذلك رشداً

نسخ شده است؛ و این حکم از نظر وی پابرجا می‌باشد. طبری در ادامه، مورد سوم وقوع نسخ در آیه مذکور را در آیه ۲۹ سوره توبه معرفی می‌کند؛ البته وی بدون ذکر نص این آیه و صرفاً در میانه سخنان خویش و با استناد به حدیثی^۳ به نسخ بودن آیه سوم اشاره کرده است. در این آیه آمده است: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» که اشاره دارد به جنگیدن با متکبران و رویگردانان از دین خداوند از اهل کتاب تا اینکه تسلیم شوند یا ملزم به پرداخت جزیه شوند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۱/۲). برآیند دیدگاه طبری نسبت به نسخ آیه ۱۹۰ سوره بقره با سه آیه فوق سوره توبه چنین است که اعتقاد ایشان به وجوب مطلق جهاد ابتدایی با مشرکان اعم از اهل کتاب و غیر آن است؛ و نهایت برداشتی که از آیه ۱۹۰ سوره بقره کرده این است که فقط با زنان و کودکان و پیران مشرکان و اهل کتاب نباید جنگید و صرفاً بایستی از اهل کتاب جزیه گرفت؛ چرا که آنان اهل جنگ نیستند و نباید به آن‌ها تعدی نمود که خداوند تعدی کنندگان به این افراد را دوست ندارد.

فهم این چینی طبری نسبت به آیات مطلق و مقید آیات جهاد مورد مناقشه است؛ چرا که اولاً: آیه ۱۹۰ سوره بقره از محکومات قرآنی محسوب می‌شود و قابل نسخ نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷: ۹۶)؛ ثانیاً: آیه ۱۹۰ سوره بقره یک حکم مقید و جزئی را در رابطه با حکم جهاد بیان می‌کند و چنین نیست که یک قانون کلی و «مطلق» همچون آیات ۵ و ۳۶ سوره توبه که بیانگر حکم مطلق جهاد است، بتواند آن را نسخ کند؛ خواه این دو آیه نسخ از نظر زمان صدور، مقدم یا مؤخر بر آیه ۱۹۰ سوره بقره باشند. اما ادله طبری مبنی بر نسخ آیه ۱۹۰ سوره بقره هم با قواعد علمی این علم و هم با محکومات سیره نبوی در تضاد است. همانطور که گفته شد، طبری با نسخ قرار دادن آیه ۲۹ سوره توبه، قائل به جهاد ابتدایی با اهل کتاب شده است و از سیره پیامبر (ص) این‌گونه برداشت نموده است که ایشان مأمور به جنگ با اهل کتاب به طور مطلق بودند؛ بدین معنا که در ابتدا آنان را به سوی خدا و توحید دعوت می‌کردند و اگر دعوت حضرت را نپذیرفتند آن‌گاه با آنان وارد جنگ و جهاد می‌شدند. در صورتی که این انگاره بر خلاف محکومات سیره نبوی در برخورد با اهل کتاب بوده، چرا که جهاد با اهل کتاب به استثنای مواردی جایز نبوده است؛ از جمله اینکه آنان ابتدا اقدام به جنگ با مسلمانان نمایند، آنان در میان مسلمانان فتنه و اختلاف افکنی نمایند و سومین مورد هم امتناع اهل کتاب از دادن جزیه به مسلمانان است؛ که این مورد اخیر اشاره به آیه ۲۹ سوره توبه دارد (خویی، ۱۳۸۲: ۳۶۱). ضمن اینکه اگر اهل کتاب ملزم به پرداخت جزیه شوند بایستی آنان را رها نمود هر چند به خدا و روز قیامت ایمان نداشته باشند (غفاری و مستفید، ۱۳۸۰: ۱۱۴/۲). بنابراین تنها به صرف کافر بودن اهل کتاب احکام جهاد بر آنان قابل اجرا نیست و آنچه که طبری به عنوان قسم سوم - آیه ۲۹ توبه - برای نسخ آیه ۱۹۰ سوره بقره بیان کرده کاملاً بی‌اساس است؛ و برداشت انگاره خطای جهاد ابتدایی طبری با نسخ قرار دادن آیه ۲۹ سوره توبه، ناشی از تأثیرگذاری فضای مثبت حاکم بر آن عصر نسبت به رویداد تاریخی فتوحات خلفا بر اندیشه وی بوده است.

۳.۵. فهم طبری نسبت به آیه ۲۱۶ سوره بقره

یکی دیگر از آیاتی که طبری به عنوان مشروعیت جهاد ابتدایی به آن استناد جسته آیه ۲۱۶ سوره بقره است. در این آیه آمده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». در ذیل این آیه دو دیدگاه مشاهده می‌شود که طبری به هر دو دیدگاه اشاره کرده است. نخست، حکم «کفایی» بودن جهاد

^۳ حدیثی علی بن داود، قال: ثنا أبو صالح، قال: ثنی معاویة، عن علی، عن ابن عباس: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ يَقُول: لَا تَقْتُلُوا النِّسَاءَ وَلَا الصِّبْيَانَ وَلَا الشَّيْخَ الْكَبِيرَ وَلَا مِنْ أَلْقَى إِلَيْكُمْ السَّلْمَ وَكَف يَدَهُ، فَإِنْ فَعَلْتُمْ هَذَا فَقَدْ اعْتَدَيْتُمْ. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۱/۲)

است که طبری با نقل این مطلب که «برخی افراد به کفایی بودن اذعان دارند» بدون ذکر مؤیدی روایی از آن گذر می‌کند. این درحالی است که علما بر کفایی بودن حکم جهاد اجماع نظر دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۴۹/۲؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱۹۲/۱). در ادامه و در راستای شکل‌گیری دیدگاه دوم، طبری عبارت «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» را بر وجوب قتال با مشرکان فهم نموده و بلافاصله پس از ذکر این مطلب با ذکر دیدگاه برخی افراد، وجوب آن را مختص اصحاب رسول خدا دانسته است و خبر واحدی از «عطا» در تأیید این وجوب بر اصحاب حضرت نقل می‌کند. نیز به نقل از «سدی»، عبارت «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» را به معنای پاداش غنیمت، شهادت و آسایش در انجام جهاد ذکر کرده است. وی همچنین روایتی از ابن عباس نقل کرده است که از پیامبر (ص) شنیده بود که حضرت در تفسیر این آیه فرمودند: «و خدا می‌داند خیر یا شر شما در چیست. پس اگر بر شما جهاد با دشمن واجب گردید اگرچه نسبت به آن نداشته باشید و با آن که به شما دستور دادم بجنبید. می‌دانم که جنگ با آنان در زمان نزدیک و آینده برایتان بهتر است و ترک مبارزه با آنان برایتان بد است». در انتها نیز این مطلب را بیان داشته است که پیامبر (ص) همه را به جهاد با دشمنانش تشویق می‌کرد و از آنان -اصحاب خویش- می‌خواهد که با کسانی که به او کافر شده‌اند، بجنبند (طبری، ۱۴۱۲: ۲۰۱/۲). با نظر داشت به مؤیدهای روایی گوناگونی که طبری در تأیید دیدگاه دوم ذکر کرده است، پذیرش وی نسبت به انگاره «وجوب جهاد ابتدایی» مختص صحابه قوت می‌گیرد. به نظر می‌رسد ذکر مؤلفه‌هایی چون اختصاصی بودن حکم جهاد برای صحابه پیامبر (ص)، تشویق حضرت در انجام عمل جهاد در آینده و نیز مؤدۀ آن به صحابه خویش و رسیدن به امتیازاتی چون غنائم در کنار امتیازات دیگر، ریشه در جنگ‌هایی دارد که در زمان خلفا صورت پذیرفته است (انتظاری، ۱۳۹۸: ۱۸)؛ و این همسان-انگاری ناشی از خطاهایی چون فاصله زمانی بیش از یک قرن و نیم از نزول آیات و وقوع غزوات پیامبر (ص) و ثبت غیر دقیق آن توسط محدثان اهل سنت است چرا که ممنوعیت و فترت پیش آمده در ثبت احادیث و نگارش تفاسیر مآثور در میان محدثان اهل سنت سبب ضعف اخبار و روایات آنان شده است. نیز گفتمان جامعه عصر حیات طبری به نفع فتوحات خلفای نخستین بوده و دلیل آن مطلوبیت سرازیر شدن غنائم ناشی از فتوحات به سمت بلاد اسلامی بوده، همین امر سبب شد به تدریج نطفه عادل بودن صحابه در اذهان عمومی آن عصر بسته گردد و پی‌ریزی شئونی چون برپایی غزوات که از اختصاصات پیامبر (ص) -به سبب مقام عصمت ایشان- بوده را به خلفا و صحابه ایشان نسبت داده شود. (حسن بیگی، ۱۳۸۲: ۷)

نتیجه

ارزیابی‌های صورت پذیرفته در پژوهش حاضر، با هدف سنجش و میزان تأثیرپذیری باور کلامی طبری در فهم صحیح آیات جهاد، به یافتن آسیب‌ها و نادرستی‌های زیر رهنمون شد:

۱- طبری در کاربست مؤیدهای روایی به‌عنوان ابزاری مهم برای فهم آیات جهاد، از قواعد حاکم بر به‌کارگیری روایات در فهم صحیح آیات عدول کرده است، که به نظر می‌رسد این خطا ناشی از استیلای باور کلامی عدالت صحابه و تأثیرگذاری فتوحات خلفای صدر اسلام بر اندیشه وی باشد. این خطا در حدیث مقاتله مشهود است که به نظر می‌رسد لفظ «أَقَاتِلُ» در روایت مذکور تحریف یا نقل به معنا شده است؛ و در اصل روایت «أَمُرْتُ أَنْ أَجَاهِدَ النَّاسَ» بوده و راوی روایت کننده متصور شده که «أَجَاهِدُ»، «أَقَاتِلُ» است. از طرفی اگر لفظ «أَقَاتِلُ» را به معنای ظاهری آن حمل نماییم در تعارض با آیه ۲۹ سوره توبه است. بنابراین، به نظر می‌رسد حدیث مذکور به سبب ناسازگاری با بخش‌هایی از قرآن از قبیل روایات «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»، جعلی است و در

فضای فتوحات ساخته شده است. همچنین در نقلی دیگر روایت مذکور با اضافاتی چون «و یقیموا الصلاة، و یؤتوا الزکاة» همراه است که حاکی از رخ دادن تدلیس در آن است که با اهداف سیاسی صورت گرفته است.

۲- طبری در امر تفسیر آیات جهاد جانب افراط را برگزیده و قائل به نسخ تمامی آیات بیانگر حکم دفاعی بودن جهاد با آیات سیف-آیات ابتدایی و ۲۹ سوره توبه- شده است؛ و سرپیچی وی از قوانین حاکم بر این علم مشهود است. در این باره با توجه به مقام فقهی و تفسیری طبری، ضعف علمی وی دور ذهن است و به نظر می‌رسد که این خطا ناشی از متأثر بودن از فتوحات خلفای نخستین بوده که همان گفتمان مثبت فضای فکری آن عصر و صیانت از باور کلامی عدالت صحابه بوده است.

۳- محکومات سنت نبوی نیز به سان دیگر ابزارهای فهم صحیح آیات در تفسیر طبری در جایگاه مطلوب خود واقع نشده است. به گونه‌ای که برخی آیات همچون آیه ۲۱۶ سوره بقره به نفع توجیه فتوحات خلفای نخستین و به عنوان ادله‌ای مبنی بر استحکام بخشی باور کلامی عدالت صحابه تفسیر شده است.

منابع

- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق). *مسند الامام احمد بن حنبل*، قاهره: دارالحدیث.
- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه‌الله (بی تا). *شرح نهج البلاغه*، تهران: جهان.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق). *الکامل*، بیروت: دارصادر.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (بی تا). *اسد الغابه*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- ابن جعد، علی بن جعد جوهری (بی تا). *مسند*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الهی خراسانی، مجتبی؛ محمد، مروارید (۱۳۹۶). «نقد مستند روایی نظریه جهاد دعوت بررسی موردی حدیث مقاتله»، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، سال سوم، شماره ۸.
- انتظاری، احسان (۱۳۹۸). «نقد و بررسی مهمترین رویدادهای دوران حکومت خلیفه دوم»، فرهنگ پژوهش، شماره ۳۹.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۰۲ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بعثت.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸ق). *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۲۴ق). *الانساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). *السنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.
- باصری، وحید (۱۳۹۹). «تأثیر گفتمان خلفا بر رویکرد عبدالله بن عباس به نهضت امام حسین (ع)»، *مطالعات تاریخی جنگ*، دوره چهارم، شماره اول (پیاپی ۱).
- ثقفی، ابن هلال (۱۳۷۱). *الغارات*، ترجمه عبد الحمید آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسن بگی، علی؛ محمد حسن بیگی (۱۳۹۸). «واکاوی تأثیر برخی باورهای کلامی بر تحلیل تاریخ اسلام با رویکرد آسیب شناختی»، *دوفصلنامه علمی مطالعات تاریخی جهان اسلام*، شماره ۱۳.
- حسن بیگی، علی (۱۳۹۳). «واکاوی تأثیر باور کلامی مورخان مسلمان بر همانندسازی میان جنگ‌های خلفا با جنگ‌های پیامبر (ص)»، *مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی کلامی*، شماره ۱۵.

- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۲). بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد.
- رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۹۷ق). زندگانی پیامبر (ص)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۹۸ق). التوحید، تهران: مکتبه الصدوق.
- رشید رضا، (بی تا). المنار، بیروت: دارالفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الرسل والملوک، بیروت: دارالتراث.
- غفاری، علی اکبر؛ مستفید، حمیدرضا (۱۳۸۰). ترجمه عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۷). مشروعیت جهاد ابتدایی در قرآن، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- قائدان، اصغر (۱۳۹۷). «سازماندهی جنگی در غزوات عصر پیامبر (ص)»، مطالعات تاریخی جنگ، سال دوم، شماره سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفار و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مسلم، مسلم بن حجاج (۱۴۲۰ق). صحیح مسلم بشرح الامام النووی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- متقی هندی، علی بن حسام (بی تا). کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- نیشابوری، حاکم (۱۴۰۶ق). المستدرک، بیروت: دارالمعرفه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی